

## فرهنگ چیست؟

رشته: فلسفه علم

نام و نام خانوادگی: اردشیر منصوری

ریس دفتر مطالعات فرهنگی، معاونت فرهنگی دانشگاه تهران

کلید واژه: فرهنگ، تمدن، کل‌نگر، هنجاری.

منابع:

۱- کوش، دنی، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه: فریدون وحید، سروش، ۱۳۸۱.

۲- آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، آگه، ۱۳۸۱.

از فرهنگ تعریف‌های متعددی ارائه شده است. در باره فرهنگ چه می‌توان گفت که به تکراری ملال‌آور نیانجامد؟ گاه آن را چنان جامع و گسترده تعریف کرده‌اند که شامل همه دست‌آوردهای بشری می‌شود. گویی فرهنگ یعنی هر آنچه "انسان‌ساخته" است. با این تعریف تعبیری همچون "شاخص‌های جامعه فرهنگی" که محور پرسش سوم سؤال کنندگان محترم بود، بی‌معنا می‌شود؛ چرا که دیگر جامعه غیر فرهنگی معنای محصلی نخواهد داشت. یعنی همین که پای جامعه بشری در میان آید، تمامیت آن فرهنگی خواهد بود. اما گاه واژه فرهنگ چنان خاص در نظر گرفته می‌شود که گویی برخی واجد آن هستند و عده‌ای فاقد آن. این تعبیر را در نظر آورید: "فلانی فرهنگ رانندگی ندارد"، یا "هنوز فرهنگ استفاده از تلفن همراه، حتی در میان اهل علم نهادینه نشده". با این وصف گویی "فرهنگ" مشترک لفظی است.

از نظر نگارنده برای تقریر مفهوم فرهنگ و تمییز کاربردهای گوناگون آن، از یک دسته‌بندی سه‌گانه می‌توان سود جست. بی‌التفاتی به این دسته‌بندی می‌تواند منشأ مغالطاتی در مباحث فرهنگی باشد.

۱. توصیفی<sup>۱</sup>-کل‌نگر؛ مشهورترین تعریف جامع از فرهنگ (تایلور - ۱۸۷۱) آن است که فرهنگ را "کل پیچیده‌ای از شناخت‌ها، باورها، هنرها، اخلاق، رسوم و سایر یافته‌های اجتماعی انسان" می‌داند. بر این اساس فرهنگ تعیین‌کننده هویت انسان و فصل‌میز او از دیگر جانداران است. پس هیچ فرد انسانی یا جامعه‌ای فاقد فرهنگ نیست، فقط می‌توان گفت فرهنگ مردم جوامع مختلف، متفاوت است. کسانی که به زایش و پویای تاریخی فرهنگ نظر دارند، بر جنبه میراثی فرهنگ تأکید می‌کنند. به تعبیر مایرس<sup>۲</sup> "فرهنگ آن چیزی است که از گذشته آدمیان باز مانده، در اکنون ایشان عمل می‌کند، و آینده‌شان را شکل می‌دهد." این نگاه به فرهنگ، شامل همه دست‌آوردهای انسان، اعم از علوم، صنایع، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌شود و در کلان‌ترین سطح، تنها یک نقطه مقابل دارد و آن "طبیعت" است.

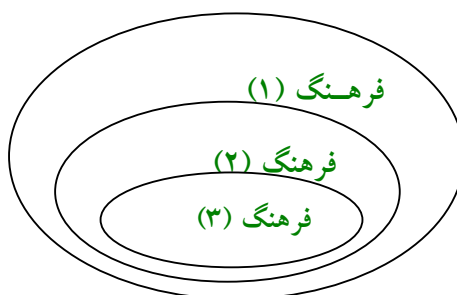
<sup>۱</sup>. descriptive

۲. **هنجاری<sup>۲</sup>-نمادین**؛ در این کاربرد فرهنگ تنها شامل ارزش‌ها، قواعد و روش‌هایی است که انسان‌ها برای سازگاری با جامعه از آن متابعت می‌کنند. بر این اساس حوزه‌هایی مانند علم و صنعت کمتر مورد نظراند. تکوین و تداول این کاربرد از فرهنگ، طی دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ میلادی رخ داد. پس 'فرهنگ' عبارت است از "الگوهای رفتاری در زندگی انسان‌ها" و "عناصر معنابخش زندگی" که باعث تمایز فردی از دیگری و یا جامعه‌ای از جامعه دیگر می‌شود. به تعبیر دیگر (کلاکن - ۱۹۵۱) "فرهنگ اشارتی است به راه و روش مشخص یک گروه از آدمیان یا طرح کامل زندگی آنان."

بر اساس این نگاه، 'تمدن' آن کل است که شامل صنایع و علوم و فنون هم می‌شود و 'فرهنگ' تنها بر جنبه‌های نمادین و معنوی تمدن اطلاق می‌گردد.

۳. **کارکردی<sup>۳</sup> - بخشی**؛ کاربرد دیگر از واژه فرهنگ همان است که امروزه با عنوان 'فرهنگ حرفه‌ای'<sup>۴</sup> از آن یاد می‌شود. این تعبیر از فرهنگ، بیشتر از نیمه دهه ۸۰ میلادی متداول شده و عموماً ناظر بر هنجارهای یک گروه یا بخش یا مؤسسه است. از این منظر فرهنگ شامل رفتارها و ادراکات جمعی اعضای یک مجموعه و سازمان است و با رفتارها و منش‌های همین افراد در زندگی شخصی متفاوت است. تعبیرهای مشهورتر این معنا از فرهنگ عبارتند از 'فرهنگ سازمانی'<sup>۵</sup> و 'رفتار سازمانی'. معنای 'فرهنگ' در 'فرهنگ رانندگی' در این لایه می‌گنجد.

بین این سه لایه از فرهنگ به تعبیر منطقی نسبت عام و خاص مطلق برقرار است.



برای فرهنگ ویژگی‌هایی همچون **آموزش‌پذیری** و **انتقال‌پذیری**، **پذیرش<sup>۶</sup>**، و **مشارکت<sup>۷</sup>** و ... می‌توان در نظر گرفت که در جای خود باید به شرح و بسط آنها پرداخت.

<sup>۲</sup> . normative  
<sup>۳</sup> . functional  
<sup>۴</sup> . professional culture  
<sup>۵</sup> . corporative culture  
<sup>۶</sup> . reception  
<sup>۷</sup> . participation